مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۴۱،
دوره اول،
سال ششم،
تابستان ۱۴۰۰،
۳۴-۱۸ ص

مسئولیت جزایی ناشی از انتقال ویروس کرونا

حسین طاهری[۱]، سید عباس جزایری [۲]

چکیده

کرونا، امروزه به عنوان یکی از مهمترین بیماری‌های کشنده، رفته رفته به یکی از مهمترین بحران‌هایی که انسان معاصر با آن روبروست، تبدیل شده است. تهدید بهداشت عمومی جوامع از طریق ویروس کرونا، یکی از بحران‌های رو به گسترش در دنیا و از جمله کشور ما به شمار می‌رود. از جمله مسائل مهم در این زمینه مسئولیت کیفری ناشی از انتقال این نوع ویروس است. ویژگی‌های موجود در ویروس کرونا از جمله وجود فاصله زمانی بعضاً زیاد از زمان انتقال تا حدوث نتیجه، آگاهی یا عدم آگاهی طرفین از آلوده بودن به کرونا، رضایت طرفین در پاره‌ای موارد و مشخص نبودن شخص انتقال دهنده، وسعت و تداخل آثار ناشی از انتقال با وقایع دیگر باعث صعوبت احراز و اثبات رابطه استناد البته از نوع واقعی و مادی آن، به عنوان شرط ضروری در توجه ضمان از یکسو و انتساب عناوین متفاوت مجرمانه بر مرتکب از جهت دیگر، خواهد شد. در نظام کیفری ایران قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد. به عبارت دیگر در این مورد با خلاء قانونی مواجه هستیم. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی مسئولیت جزایی ناشی از انتقال ویروس کرونا می‌باشد. یافته‌ها نشان از ان دارد که، در حقوق کیفری ایران، مسئولیت جزایی ناقلین بیماری‌های واگیردار از جمله ویروس کرونا، با وجود و تحقق شرایطی از جمله احراز رابطه استنادی موجب مسئولیت جزایی است، اما این مسئله خود دارای چالش‌هایی از جمله عدم مشخص بودن فرد ناقل، عدم آگاهی طرف از مبتلا بودن به ویروس ناقل بیماری و...می‌باشد که احراز مسئولیت کیفری را دشوار می‌سازد.

کلمات کلیدی: مسئولیت جزایی، رابطه استناد، رابطه سببیت، ویروس کرونا، ناقلین.

[۱] (دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران): نویسنده مسئول

[۲] (استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

بیماری‌های واگیردار[1] همواره یکی از عوامل تهدیدکننده اصلی سلامت انسانها بوده‌اند. منظور از بیماری‌های واگیردار، بیماری‌هایی است که انتقال آنها از طریق تماس مستقیم و غیرمستقیم با انسان، حیوانات، اشیا و... بوده و در سطح جامعه به سرعت منتشر می‌شوند. (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳: ۳۲).

از موارد جدید این نوع بیماری‌ها که اخیراً شیوع پیدا کرده و سلامتی جامعه جهانی را با چالش مواجه نموده ویروس کرونا[2] است. با توجه به خطرات این ویروس برای جامعه علاوه بر لزوم پیشگیری، تدوین قوانین مناسب در راستای سلامت جامعه و حمایت از قربانیان آن ضروری است. شیوع ویروس کرونا امروزه، تهدیدی علیه سلامت جسمانی و بهداشتی افراد تلقی می‌شود، یکی از مسائل قابل طرح در این زمینه مسئولیت جزایی ناقلین این نوع از بیماری‌هاست (احسان‌پور،۱۳۸٤، ۷).

رکن اصلی تحقق مسئولیت[3]، صحت انتساب و استناد است که احراز آن در کلیه جرائم، اعم از عمدی و غیرعمدی و همراه با قصور یا تقصیر، لازم و ضروری است و بیماری‌های واگیردار کشنده از جمله ویروس کرونا، نیز از این امر مستثنی نیست، هرچند انتقال ویروس کرونا با اسباب ناپیدا صورت می‌گیرد، لیکن به مانند اسباب ظاهری دارای آثار و نتایجی است که در صورت احراز رابطه استناد بین این نتایج و اسباب ناپیدا، در مسئولیت انتقال‌دهنده در فرض اجتماع شرایط نمی‌توان تردید نمود. رابطه استناد، رابطه‌ای است که مبین پیوند علّی یا سببی بین دو پدیده مادی یعنی رفتار و نتیجه است. قانونگذار نیز به لزوم احراز و اثبات رابطه استناد تأکید دارد. ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باره بیان می‌دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله را به تقصیر مرتکب احراز کند».

به طور کلی می‌توان گفت برای انتساب جرم و تحقق مسئولیت جزایی[4]، لازم است که رابطه استناد احراز گردد. در واقع فارغ از اینکه انتقال ویروس بیماری واگیردار بالمباشره و یا بالتسبیب انجام گیرد، آنچه مهم است انتساب عمل انتقال به سبب یا مباشر می‌باشد، ولی باید در نظر داشت که احراز رابطه سببیت در مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام آن از مشکل‌ترین مباحث حقوقی است (آقایی نیا،۱۳۸۹، ج ۲: ۵۵).

در واقع احراز رابطه استناد و ملازمه واقعی و حقیقی، بین عمل مجرمانه و نتایج آن که همان انتقال بیماری است، از موارد مهم اثبات جرم است که باید قبل از هر چیز درباره هر متهمی بررسی شود. بر همین اساس است که از فعل عدوانی و نتیجه مجرمانه به عنوان ارکان رابطه استناد یاد می‌شود. در حقیقت نقش رابطه استناد، همان تفسیر حصول نتیجه با اسناد نتیجه به فعل و تحمیل مسئولیت بر مرتکب آن است (نجیب حسنی، ۱۳۹۱: ۱۱).

---

[1]- contagious diseases
[2]- Corona virus
[3]- Responsibility
[4]- Criminal liability

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بنابراین احراز مسئولیت جانی متوقف بر اثبات استناد جنایت به فعل مرتکب بوده و در مواردی که استناد واقعی، موضوعی مسلم نیست و در وجود آن تردیدی حاصل شود. بنابر اصل برائت[1] و قاعده درأ که در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و شامل کلیه جرائم تعزیری و غیر تعزیری نیز می‌باشد، اصل بر عدم سببیت عمل خواهد بود. ماده ٤٩٢ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ضمن تأکید بر این مطلب، در خصوص لزوم احراز رابطه استناد در مباشرت یا تسبیب بیان می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از اینکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آنها باشد».

نکته قابل توجه، دشواری احراز این رابطه به علت ناپیدا بودن اسباب می‌باشد، ضمن اینکه ویژگی‌های نوعی دیگر ویروس کرونا از جمله فاصله زمانی بین فعل و نتیجه مجرمانه، رضایت آگاهانه فرد به بیمارشدن و یا تن دادن او به عملی که باعث انتقال ویروس به وی می‌شود و امکان حدوث وقایع طبیعی یا غیرطبیعیِ قاطع رابطه استناد، ممکن است باعث دشواری دو چندان احراز این رابطه گردد.

باید اذعان داشت تمرکز در ماهیت واقعی و مادی رابطه استناد با توجه به جایگاه این رابطه در عنصر مادی جرائم به عنوان پیوند دهنده رفتار و نتیجه مجرمانه[2] که هر دو دارای بعد مادی می‌باشند، بیانگر این نتیجه است که این رابطه ناگزیر رابطه‌ای واقعی و حقیقی بوده و کارشناسی و توجه علمی در احراز این رابطه در کاستن از صعوبت احراز و کاهش اختلافات، مؤثر خواهد بود و توجه به دو ویژگی مذکور در رابطه استناد موجب دستیابی تقریباً متقن به سبب و علت حقیقی، خواهد شد. در خصوص نوع جرائم ارتکابی و انتساب آن به انتقال دهنده با توجه به شرایط و آثار عمل به ویژه نوعاً و یا نسبتاً کشنده بودن عامل بیماری یا غیرکشنده بودن آن، می‌توان به برخی جرائم عمدی و غیرعمدی مندرج در قوانین موضوعه به خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی مسئولیت جزایی ناقلین ویروس کرونا در حقوق کیفری ایران می‌باشد.

۱-شرایط لازم در تحقق مسئولیت جزایی

«مسئولیت» در لغت عبارتنداز آنچه انسان عهده دار و مسئول آن باشد و «مسئول» به معنای پرسیده شده و خواسته شده است (عمید، ۱۳۸۱: ٤٠٧٧).

«مسئولیت جزایی» مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید. متضرر از جرم غالباً اجتماع است، برخلاف مسئولیت مدنی که متضرر از عمل مسئول، افراد می‌باشند (جعفری لنگرودی،١٣٩٤: ٦٤٢).

برخی دیگر از حقوقدانان در تعریف مسئولیت جزایی بیان داشته‌اند: به طورکلی برای مسئولیت دو مفهوم وجود دارد: مسئولیت بالقوه[3] و مسئولیت بالفعل[4]. مسئولیت بالقوه، مجرد است (ذهنی صرف است) و مسئولیت بالفعل، واقعی است.

[1]- The principle of innocence
[2]- Criminal result
[3]- Potential responsibility
[4]- Actual responsibility

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مراد از مفهوم اول صلاحیت و اهلیت شخص است، چراکه فرد باید متحمل پیامد کار خود باشد. مسئولیت به این معنا، صفت و یا حالتی است که با او ملازمه دارد، اعم از اینکه فعلی مسئولیت آور از او صادر شود یا خیر. مراد از مفهوم دوم، تحمل شخص نسبت به پیامدهایی است که حقیقت از وی صادر شده است و مسئولیت به این معنا مجرد صفت یا حالت قائم به شخص نیست، بلکه علاوه بر آن، جزا را هم در پی دارد. به لزوم حکم عقلی، مفهوم دوم دربردارنده مفهوم اول است و یا مفهوم اول مفروض گرفته می‌شود؛ زیرا که اعمال پیامدهای انجام کاری به شخص متصور است و یا مفهوم اول مفروض گرفته می‌شود؛ زیرا که اعمال پیامدهای انجام کاری به شخص متصور. به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در برابر تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. با این وجود، در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت جزایی به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال مسئولیت جزایی نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است (میرسعیدی،۱۳۸۹: ۱۹).

در واقع مسئولیت جزایی پلی است میان جرم و مجرم. یعنی عملی که جرم تلقی می‌شود باید به نحوی به یک شخص منتسب شود، این شخص همان مجرم است.

برای اینکه شخص مرتکب عمل خطا مسؤلیت جزایی داشته باشد باید از شرایطی برخوردار باشد. حقوقدانان در مورد ویژگی‌های شرایط مسؤلیت جزایی اتفاق نظر دارند که در ماده ۱٤۰ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نیز این شرایط آمده است که عبارتند از:

۱-عقل: مرتکب جرم باید عاقل باشد تا بتواند از نیک و بدکار خود وآثار مترتب برآن آگاهی داشته باشد اشخاص مجنون و دیوانه به دلیل نداشتن عقل مسؤلیت ندارند و در صورت ارتکاب جرم، مجازات جزایی نمی‌شوند، اما آثار مالی مسؤلیت جزایی مانند پرداخت خسارت برآنها مترتب می‌باشد.

۲- بلوغ: مرتکب جرم باید از نظر جسمی و روحی به حد رشد رسیده و به اصطلاح بالغ باشد، پس کودک اگر مرتکب فعل مجرمانه گردد، مسؤلیت جزایی ندارد. واژه مسؤلیت جزایی در ماده ۱٥٦ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به معنای اهلیت تحمل کیفر بکار رفته که از آن به مفهوم بالقوه مسؤلیت کیفری تعبیر می‌کنیم. ماده ۱٥٦ قانون مذکور اشعار می‌دارد که: «افراد نابالغ[1] مسؤلیت کیفری ندارند». قانونگذار با توجه به نقص یا اختلالی که در قدرت درک و تمیز اطفال یا مجانین می‌بیند اعلام می‌کند که اطفال به دلیل فقدان صفاتی مانند تمیز و اختیار مسؤلیت جزایی ندارند.

۳- مختار بودن: شخص برای انجام کار باید از آزادی عمل برخوردار باشد و مجبور یا مکره نباشد. الزام و اجبار شخص برای انجام فعلی یعنی شخص برای انجام کار مختار نیست. به همین مناسبت قانونگذار در ماده ۱٥۱ اظهار می‌دارد: «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم

[1]- Immature people

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود».

توانایی هرکس نیز با توجّه به شرایط روحی و جسمی اوست. به عبارت دیگر شارع مقدس برای تحقق هر نوع مسئولیتی، داشتن شرایط و خصوصیات جسمی و روحی و توانایی تفکر و قدرت تصمیم گیری و علم و آگاهی از الزامات قانونی را ضروری دانسته است که در اصطلاح فقهی به مجموعه این توانایی‌های جسمی و روحی لازم برای مسئول شناختن هر فردی، شرایط عامّه تکلیف یا اهلیت گویند و فقها این شرایط را در چهار عنصر «بلوغ، عقل، اختیار و علم به الزامات شرعی» خلاصه کرده‌اند. از منظر حقوقی، برای تحقق مسئولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود. یعنی تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت (بیگی و حسینی،۱۳۹٦: ۸۳).

در مسؤلیت جزایی عنصر عمد و یا تقصیر از ارکان و شرایط تحقق جرم است (گلدوزیان،۱۳۹٤: ۱۲٤-۱۲٦).

حقیقت این است که «اهلیت تحمل تبعات جزایی[1]» و «اجبار به تحمل تبعات جزایی[2]» دو چهره گوناگون از «مسئولیت کیفری» را نشان می‌دهند، زیرا اولی معرف جنبه مجرد و انتزاعی و دومی نشانگر جنبه واقعی و عینی مسئولیت است. جنبه انتزاعی مسئولیت ناظر به «وضعیت» و «صفتی» خاص در شخص است که به موجب آن «اهلّیت» و «قابّلیت» این را پیدا می‌کند تا «هر زمان» رفتار مجرمانه‌ای از او صادر شود، تبعات جزایی آن را متحمل گردد، پس صحیح است که بگوییم شخص واجد «اهلیت» دارای مسئولیت جزایی است. اما از نوع «مسئولیت بالقوه»، یعنی که این شخص به خاطر داشتن «وضعیت» و «صفتی» خاص «اگر» فعل مجرمانه‌ای انجام دهد، لاجرم تبعات جزایی آن را هم متحمل خواهد شد. اما زمانی که شخص در برابر رفتار مجرمانه‌ای که «انجام داده» است، یک جانبه و به قهر، «مجبور به تحمل» تبعات جزایی آن می‌شود، مسئولیت جزایی وجود «واقعی» و «عینی» پیدا کرده است. پس این تعبیر هم صحیح است که بگوییم «شخص مجرم» دارای مسئولیت جزایی است، اما این بار از نوع «مسئولیت بالفعل» یعنی که شخص به خاطر جرمی که «مرتکب شده» است، تبعات جزایی آن را هم به قهر و اجبار تحمل می‌کند. بنابراین با پذیرش جنبه «بالقوه» یا «انتزاعی» مسئولیت جزایی در کنار جنبه «بالفعل» یا «واقعی» آن که دو چهره متفاوت از مسئولیت جزایی را «نمایش می‌گذارند، بطلان این رأی که می‌کوشد» اهلیت «را از قلمرو» مسئولیت جزایی دور نگهدارد آشکار می‌شود، زیرا اهلیت یاد شده، چیزی نیست جز همان جنبه بالقوه مسئولیت جزایی. با این حال از نظر نباید دور داشت که جنبه بالقوه مسئولیت همواره در ضمن جنبه بالفعل آن موجود است زیرا اجبار شخص به «تحمل» تبعات کیفری رفتار خود عادلانه و منطقی نیست مگر اینکه «مجرم» و «محکوم»، «اهلیت» تحمل این تبعات را داشته باشد، زیرا نمی‌توان پذیرفت شخصی که فاقد «اهلّیت[3]» تحمل تبعات جزایی است، در صورت ارتکاب رفتار مجرمانه، به تحمل این نوع تبعات اجبار و الزام شود. در مسئولیت جزایی به معنای «قابلیت تحمل مجازات» مسأله به نحو دیگری است، زیرا اهلیت ارتکاب به هیچ وجه کافی نیست، ممکن است از کسی

[1]- Ability to bear criminal consequences
[2]- Forcing to bear criminal consequences
[3]- Qualification

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

«جرم» صادر شود، اما اهلیت تحمل کیفر نداشته باشد، مثلاً بخاطر محرومیت از قوه تمییز و ادراک، نتوان او را در برابر ارتکاب جرم، مورد «مجازات» قرارداد، پس این نوع اهلیت، علاوه بر اهلیت ارتکاب جرم، معتاج شروط دیگری است و همین شروط است که بررسی و تعیین آنها، یکی از دشوارترین مباحث مسئولیت جزایی را تشکیل می‌دهد (خدابخشی،۱۳۹۵: ۳۲).

۲-رابطه استناد و ماهیت آن در انتقال ویروس کرونا

ویروس کرونا، در طی چندسال گذشته تا به حال، همواره یکی از عوامل تهدیدکننده اصلی سلامت انسان‌ها بوده‌اند. شیوع این ویروس، از هر نوع آن تهدیدی علیه سلامت جسمانی و بهداشتی افراد تلقی و ممکن است بر حسب نوع ویروس انتقال دهنده بیماری، نوعاً یا نسبتاً کشنده و یا اصلاً کشنده نباشد. در خصوص انتقال ویروس کرونا، مسائلی مطرح است از جمله وجود فاصله زمانی بعضاً زیاد تا حصول نتیجه و گاه مشخص نبودن علت حقیقی انتقال، وسعت و شدت آثار ناشی از این عوامل بیماری زا که در عصر حاضر، ابزار سوء استفاده برخی از گروه‌های تبهکار نیز واقع و فنی و تخصصی بودن موضوع و بسیاری موارد دیگر که همگی از یکسو باعث صعوبت و پیچیدگی مضاعف احراز رابطه استناد شده و از سوی دیگر همین پیچیدگی‌ها باعث تعدد عناوین مختلف مجرمانه‌ای گردیده که ممکن است باعث مشتبه شدن موضوع برای کنشگران عدالت قضایی گردد. با توجه به اینکه برای احراز مسئولیت مدنی و یا جزایی ناشی از انتقال عامل بیماری زا، احراز رابطه انتساب و استناد در مفهوم کلی آن مهم است، بنابراین در تحمیل مسئولیت بررسی دقیق ماهیت رابطه استناد در انتقال عامل ویروس کرونا، امری ضروری و اجتناب ناپذیر گردیده است. علاوه بر این، در شرایط حاضر بررسی و تطبیق دقیق موضوع با عناوین مختلف مجرمانه مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که از ابعاد مختلف دارای نوآوری‌هایی نسبت به قانون قبل بوده و از تعزیر ساده تا عناوین مستوجب حد یا قصاص نیز متغیر است دارای اهمیت مضاعفی می‌باشد. رابطه استناد، رابطه‌ای است که مبین پیوند علّی یا سببی بین دو پدیده مادی یعنی رفتار و نتیجه است (صادقی،۱۳۹۲: ۸۷-۸۹).

در تحلیل نظرات فقها آنچه که به عنوان فصل مشترک لازم الاثبات، در تحمیل مسؤلیت وضعی باید مورد توجه قرار گیرد احراز و اثبات رابطه استناد در مفهوم عام و رابطه علیت یا سببیت در مفهوم خاص آن است. در فقه در باب تحمیل مجازات می‌توان به قواعدی از جمله اتلاف و لاضرر اشاره نمود. مسئولیت در فقه بر مبانی متعددی استوار است که یکی از آنها اتلاف است اتلاف از ریشه تلف و به معنای نابود کردن و از بین بردن است، مثل اینکه کسی دیوار دیگری را تخریب کند و یا فردی مال دیگری را از بین ببرد (بهرامی،۱۳۹۱: ۵۲).

بنابراین بر اساس قواعد فوق الذکر که یک مورد تعریف و بیان گردید، در فقه مسئولیت مدنظر قرار گرفته است. قانونگذار نیز به لزوم احراز و اثبات رابطه استناد تاکید دارد. ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در این باره بیان می‌دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله را به تقصیر مرتکب احراز کند.» همچنین بنابر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ماده ٤٩٢ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود».

طبق ماده ۵۰۰: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد مانند این که در اثر علل قهری واقع شود ضمان منتفی است» ماده ۵۳۱ نیز بیان می‌دارد: «در موارد برخورد هرگاه حادثه به یک از طرفین مستند باشد مثل این که حرکتی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد تنها در مورد طرفی که حادثه مستند به اوست ضمان ثابت است».

احکام وضعی ضمان، اعم از دیه و قصاص، همانگونه که بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند، دائرمدار صحت انتساب و استناد جنایت است. نکته حائز اهمیت، نحوه احراز این رابطه است که تنها افعال و عواملی در این رابطه قابل احتسابند که در نتیجه حاصله مؤثر باشند، یعنی سبب و علت. در واقع تأثیر، به عنوان وصف عوامل دخیل در حدوث معلول، وجه ممیزه‌ای برای تشخیص و تبیین این عوامل در رابطه استناد خواهد بود و این موضوع در ماده ٥٢٦ ق.م.ا ۹۲ مورد تاکید مقنن به شرح ذیل بوده است: «هرگاه دو یا چند برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است».

۲-۱- عناصر رابطه استناد

با توجه به مطالب پیش گفته، رابطه استناد تنها در حالتی قابل تصور است که عاملی در تحقق امری مؤثر باشد و الا در صورت عدم تحقق این مقوله فرض تحقق رابطه بی معنی خواهد بود. عوامل دارای وصف تأثیر در نتیجه، عبارتند از: سبب یا علت، و شرط به علت عدم تأثیر در نتیجه نمی‌تواند در دایره شمول این عوامل قرار گیرد. بنابراین می‌توان عناصر متشکله رابطه استناد را علت، سبب و نتیجه مجرمانه دانست که در ادامه به بررسی دو عنصر علت و سبب پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- علت[1]

علت هر امری است که از وجود آن وجود معلول و از عدم آن عدم معلول حاصل می‌شود، مانند قتل با شمشیر و خفه کردن با دست. گاه مرتکب بدون واسطه و به صورت مستقیم باعث بروز جنایت می‌گردد و واقعیت و به تبع آن عرف، نتیجه را بدون شک و شبه‌های منتسب به فاعل می‌کند. فقها از این نوع رابطه، به علیت تعبیر می‌کنند و عامل مستقیم و بی واسطه را علت حادثه می‌نامند. علامه حلی در کتاب قواعد تصریح می‌کند مباشرت عبارت است از ایجاد علت تلف. در این حالت به فاعل مباشر و به عمل او مباشرت گویند و رابطه بین نتیجه و فعل مجرمانه که رابطه‌ای مستقیم و بدون واسطه می‌باشد رابطه علیت است (فروغی و همکاران، ١٣٩٤، ١٢٩).

ماده ٤٩٤ ق.م.ا بیان می‌دارد: «مباشرت آن است که جنایت به صورت مستقیم توسط خود مرتکب انجام گیرد».

[1]- Cause

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در واقع مباشرت ایجاد علت است. گاه فعل مباشر با کمک آلات و ادواتی مانند چاقو صورت می‌گیرد و گاه بدون آن‌ها، پس تزریق سم به بدن مجنی علیه، بمب گذاری، غرق کردن در آب و... قتل بالمباشره خواهد بود (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۵۵).

۲-۱-۲- سبب

سبب عاملی است که عدم آن عدم وقوع تلف را باعث می‌گردد، اما وجود آن لزوماً به معنای وجود مسبب نیست. به عبارت دیگر، سبب عبارت است از اقدامی که با واسطه یک یا چند عامل دیگر به صورت غیر مستقیم در ایجاد یک حادثه تأثیر داشته باشد به گونه‌ای که امکان نسبت دادن به آن وجود داشته باشد. بنابراین اگرچه سبب، علت وقوع جنایت نیست، اما مؤثر در وقوع آن است، مانند کندن چاه در معبر عام، آلوده کردن خونی که برای تزریق به دیگری مهیا گردیده است، یا آلوده کردن آگاهانه سرنگ توسط فرد مبتلا به ایدز. ماده ۵۰۶ ق.م.ا ۹۲ در این باره بیان می‌دارد: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

۲-۲-ماهیت رابطه استناد

از لحاظ ثبوتی رابطه استناد رابطه‌ای مادی و علمی است که متأثر از شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر عنصر مادی بوده و این رابطه می‌بایست به صورت علمی و مستدل احراز گردد و نظر افرادی که این رابطه را عرفی پنداشته‌اند، صحیح نیست و این عرف انگاری رابطه استناد یکی از دلایل اختلافات موجود در احراز ضمان و توجه مسئولیت است. دلیل این ادعا این مطلب است که با توجه به تحول پذیری مسائل عرفی در ظروف مکان و زمان، که خود ناشی از برداشت‌ها و ارتکازات ذهنی متفاوت حاکم بر فهم عرف است، عرف انگاری رابطه استناد باعث خواهد شد که در موضوعی واحد شاهد موضع گیری‌های متفاوتی باشیم. برای مثال در حالتی که فردی که مبتلا به هموفیلی است چنانچه یک جراحت غیر کشنده و عمدی توسط فرد دیگر به وی وارد شود و به دلیل عدم قطع خونریزی مجنی علیه بمیرد، عده‌ای جارح را قاتل و عده‌ای دیگر که از وضعیت مجنی علیه مطلع هستند زمینه بیماری موجود در مجنی علیه را علت مرگ دانسته و عده‌ای دیگر نیز به مسائلی مانند اطلاع جارح از وضع مجنی علیه یا وجود یا عدم وجود امکانات درمانی و استطاعت نوعی و شخصی مجنی علیه در درمان توجه کرده و پرواضح است که حکم موضوع در هر حالت نیز متفاوت خواهد بود (فروغی و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۳۲).

در حالی که اگر احراز این رابطه علمی باشد این تشتت آرا به وجود نیامده و تقریباً در اکثر موارد نظری واحد که قاطع دعوی نیز می‌باشد وجود خواهد داشت. بر این اساس، این نظر که «در مواردی که فاصله جنایت – ایراد صدمه – تا زمان تحقق نتیجه نهایی – وفات مصدوم – بیش از یک سال باشد، جانی نسبت به نتیجه جنایت، مسؤولیتی نخواهد داشت» که از توجه عرف انگارانه به رابطه استناد نیز سرچشمه گرفته است صحیح نمی‌باشد، زیرا دارای هیچ مبنای علمی نبوده و با واقعیات موجود نیز سازگاری نداشته و حتی صاحب این نظر در ضمن توضیح نظر فوق ضمن تشکیک در اسناد روایی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آن، موضوع را در زمان تعارض نظر کارشناس مورد وثوق با نظر عرف از یکسو و با متن روایات از سوی دیگر، قابل تأمل دانسته است (بای، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

۲-۳- معیار احراز رابطه استناد

به طور کلی می‌توان گفت برای انتساب جرم و توجه ضمان لازم است که رابطه استناد احراز گردد. در واقع فارغ از اینکه انتقال ویروس کرونا بالمباشره و یا بالتسبیب انجام گیرد، آنچه مهم است انتساب عمل انتقال به سبب یا مباشر می‌باشد، ولی باید در نظر داشت که احراز رابطه سببیت در مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام آن از مشکل‌ترین مباحث حقوقی است. در واقع احراز رابطه استناد و ملازمه واقعی و حقیقی، بین عمل مجرمانه و نتایج آن، از موارد مهم اثبات جرم است که باید قبل از هر چیز درباره هر متهمی بررسی شود. بر همین اساس است که از فعل عدوانی و نتیجه مجرمانه به عنوان ارکان رابطه استناد یاد می‌شود. در حقیقت نقش رابطه استناد، همان تفسیر حصول نتیجه با اسناد نتیجه به فعل و تحمیل مسؤلیت بر مرتکب آن است (نجیب حسنی،۱۳۹۱: ۱۱).

بنابراین احراز مسؤلیت جانی متوقف بر اثبات استناد جنایت به فعل مرتکب بوده و در مواردی که استناد واقعی، موضوعی مسلم نیست و در وجود آن تردیدی حاصل شود بنابر اصل برائت و قاعده درأ که در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق.م.ا[1] به آن اشاره شده و شامل کلیه جرائم تعزیری و غیرتعزیری نیز می‌باشد، اصل بر عدم سببیت عمل خواهد بود. ماده ٤٩٢ ق.م.ا [2]٩٢ ضمن تأکید بر این مطلب، در خصوص لزوم احراز رابطه استناد در مباشرت یا تسبیب بیان می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از اینکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آن‌ها باشد».

از لحاظ اثباتی و بنابر قاعده فقهی «البینه علی المدعی» بار اثبات این رابطه و استناد نتیجه زیانبار به فعل جانی بر عهده مدعی به نحو عام و بر عهده مجنی علیه یا اولیای دم در جنایات به نحو خاص می‌باشد. در این راه کافی است علم عادی، امکان حصول به علت مرگ مجنی علیه را فراهم سازد (نجفی،١٤١٨ ه: ٣٣٦).

۳-مشکلات احراز رابطه استناد در انتقال ویروس کرونا

احراز رابطه استناد در کلیه جرائم به طور کلی و احراز آن در انتقال ویروس کرونا به نحو خاص، از جهات اثباتی با مشکلات متعددی رو به رو است. محسوس نبودن انتقال و به تبع آن عدم شناخت انتقال دهنده، فاصله زمانی بعضاً زیاد بین زمان انتقال و بروز علائم و در مرتبه بعد، پیدایش عوارض و صدمه نهایی و مواردی از این قبیل، باعث صعوبت احراز رابطه استناد شده است. به عنوان مثال بین انتقال ویروس ایدز و بروز صدمات ناشی از آن مخصوصاً مرگ قربانی، فاصله

---

[1]- ماده ۱۲۰- هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب‌مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

ماده ۱۲۱- در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی‌الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

۲- ماده ۴۹۲- جنایت درصورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

زمانی نسبتاً طولانی وجود دارد، از طرف دیگر برای اینکه بتوانیم کسی را در قبال آسیب‌های ناشی از انتقال ویروس مسؤول بدانیم، باید وجود رابطه استناد بین رفتار وی و ضایعات محدوثه و در نهایت مرگ ناشی از آن را اثبات کنیم. بنابراین وجود این فاصله زمانی و مخفی بودن علت و همچنین عوامل دیگری که در طی این مدت می‌توانند وجود داشته باشند، ضمن افزودن به دشواری موضوع، این شائبه را ایجاد می‌کند که آیا ممکن است علل دیگری باعث قطع این رابطه شده و در نتیجه نتوان آسیب‌ها را ناشی از انتقال ویروس دانست؟ و چنانچه عامل مستقلی رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل و نتیجه مجرمانه را قطع کند، موجب عدم انتساب و استناد عمل مجرمانه به فاعل خواهد بود یا خیر (میرمحمدصادقی،۱۳۹٦: ۱۲٤).

این عامل قاطع ممکن است ناشی از فعل اختیاری مجنی علیه یا شخص ثالث و یا ناشی از عوامل طبیعی باشد. در هر مورد که این عامل قاطع وجود دارد باید دقت داشت که عامل قاطع رابطه استناد باید «مستقلاً» باعث این انقطاع شده باشد. بنابراین در تسلسل علل به نحو طولی که وجود یک علت منوط به وجود علت دیگر است باید بر اساس قواعد موجود مانند قاعده ضمانِ علت مقدم در تأثیر عمل نمود. پس در موردی که سرایت ناشی از جراحت اول بوده و به دلیل مستقل دیگری ایجاد نشده باشد، یعنی عامل مستقل دیگری رابطه استناد بین جراحت و آثار حتمی آن را قطع نکرده باشد جارح اول ضامن خواهد بود. مثلاً اگر کسی دیگری را مبتلا به ویروس بیماری کشنده نموده و حیوان دیگری نیز او را به طرزی غیر کشنده مجروح نماید، اما به دلیل ضعف سیستم ایمنی در اثر ابتلا به ویروس فرد عفونت نموده و فوت کند این عمل، قاطع رابطه استناد بین انتقال بیماری و نتیجه حادث محسوب نشده و عامل انتقال مسؤول خواهد بود، هرچند که انتقال بیماری اول به مرور زمان باعث مرگ حتمی می‌گردید. همچنین به نظر برخی از فقها مبنی بر مسؤولیت جارح در موردی که فرد جراحتی به دیگری وارد و مجروح به دلیل بی مبالاتی و با امکان مداوا در درمان کوتاهی نموده و سرایت جراحت، باعث مرگ مجنی‌علیه می‌گردد مؤید این مطلب است که در صورت عدم وجود مانع و یا عامل قاطعی در مسیر جریان رابطه استناد، عامل جارح ضامن است، زیرا جراحت وارده توسط وی، مقتضی فوت خواهد بود. بنابراین اگر منتقل الیه به دلیل حوادث و عوامل طبیعی و غیر آن فوت نماید می‌توان به سقوط قصاص یا دیه از عهده مجرم اصیل، حکم داد، زیرا مجرم اصیل زمانی مستحق قصاص می‌گردد که عمل او سبب اصلی و مستقیم فوت مجنی علیه به شمار آید. این موضوع در یکی از آرای دیوان عالی کشور مصر این چنین آمده است: «تا زمانی که سبب اصلی مرگ آسیبی است که جانی وارد نموده است این جانی مسئول اصلی مرگ است، هرچند که مجنی علیه دارای بیماری‌ای بوده که به مرگ کمک می‌کرده است»(نجیب حسنی،۱۳۹۱: ۱٤-۱۵).

باید توجه داشت صرف اثبات این که مرگ در هر حال و حتی بدون وجود عامل جدید هم رخ می‌داد، لزوماً باعث عدم اثبات رابطه سببیت نخواهد شد. به همین دلیل کسی نمی‌تواند برای رد اتهام قتل، مدعی شود که قربانی در هر حال حتی در صورت عدم مداخله متهم به دلایل دیگری می‌مرده است، بنابراین انتقال ویروس بیماری کشنده به بدن بیمار سرطانی که در هر صورت در اثر سرطان می‌مرده است نافی مسؤولیت انتقال دهنده ویروس ایدز نخواهد بود، یعنی چنانچه علت مرگ بر اساس نظرات علمی، ناشی از انتقال عامل بیماری زا باشد انتقال دهنده ضامن و چنانچه بیمار در اثر سرطان فوت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نماید انتقال دهنده مشمول حکم وضعی، یعنی قصاص یا دیه فوت نخواهد شد، هرچند ممکن است مشمول حکم تکلیفی یعنی تعزیر گردد (فروغی و همکاران، ۱۳۹٤: ۱٤٤).

در رابطه با بیماری واگیردار کشنده مانند کرونا، ذکر این نکته نیز مفید فایده می‌باشد که هرچند ممکن است تأثیر عاملی مثل ضعف گلبول‌های سفید خون که نقش حمایتی در بدن ایفا می‌کنند، در تسریع حدوث نتیجه نقش داشته باشد، ولی باید دقت نمود که نقش تسریعیِ صرف داشتن در حصول نتیجه، به تنهایی باعث زوال آثار ناشی از علت مؤثر اولیه نخواهد بود، مثلاً اگر بر اساس نظر کارشناسی علت مؤثر در حدوث نتیجه جراحت کشنده به مجنی علیه باشد که از بیماری کشنده‌ای مانند کرونا رنج می‌برد و آثار این بیماری‌ها صرفاً نقش تسریعی در حدوث مرگ داشته باشند، با عنایت به توجه رابطه استناد به جارح که بر اساس نظرات کارشناسی نیز ثابت شده است، وی بر اساس بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا[1] قاتل عمد شناخته می‌شود، لیکن در حالتی که جارح بدون آگاهی از وضعیت فرد بیمار، ضربه‌ای غیر کشنده به فرد مبتلا به کرونا که مقاومت بدنی‌اش به دلیل تخریب گلبول‌های سفید خون، از بین رفته یا تضعیف شده، وارد کرده و به دلیل عفونت‌های حاصله از عدم امکان مقابله بدن با ضربه وارده، منتهی به مرگ شده است، مسؤول قلمدادکردن جارح، به دلیل مستندبودن مرگ به بیماری کشنده ایدز و آثار آن صحیح نبوده و این مطلب به طور ضمنی مورد پذیرش قانونگذار نیز قرار گرفته است و در این حالت عامل انتقال ویروس مسؤول قلمداد می‌شود. باید توجه داشت که چنانچه بنابر نظر کارشناسان، قتل مستند به هر دو عامل، یعنی جراحت و بیماری واگیردار باشد، هر دو به سهم مساوی مسئولیت داشته و احکام وضعی و تکلیفی مسأله نسبت به هر دو جریان خواهد داشت. مقنن این مطلب را در ماده ۵۲٦ مورد اشاره قرار داده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند».

البته باید گفت که حکم این ماده تنها در صورت وجود رابطه عرضی بین عوامل، یعنی رابطه‌ای که ناظر به تداخل اسباب متعدد در یک زمان و مجزا از یکدیگر است، صحیح بوده و تنها در این صورت است که می‌توان به «شرکت» عوامل و مسؤولیت تضامنی ایشان معتقد بود و در غیر این صورت، یعنی وجود رابطه طولی یا رابطه‌ای که ناظر بر تداخل اسباب متعدد در زمان‌های متفاوت، ولی متأثر از یکدیگر در وقوع نتیجه‌اند حکم ماده ۵۳۵ مبنی بر مسؤولیت «سبب مقدم در تأثیر» جاری خواهد بود. بر این اساس ضمان بر عهده سببی است که زودتر تأثیر کرده و از این جهت مقدم بر دیگری بوده است. در ماده ۵۳۵ ق.م.ا آمده است: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد ضامن است.» این مطلب مورد توافق بسیاری از فقها و استدلال ایشان در این باره به این نحو است که سبب مقدم در تأثیر، مانند مباشر است (فروغی و همکاران، ۱۳۹٤، ۱۳۵).

[1]-بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در واقع ضمان سبب مقدم در تأثیر به این دلیل است که اسباب متأخر، تأثیرگذاری خود را از سبب مقدم به عاریه گرفته‌اند و به نوعی وجود و تأثیر اسباب متأخر، منوط به وجود و اثرگذاری سبب مقدم می‌باشد. پس وجود سبب مقدم در تأثیر را می‌توان به نوعی به مباشر تعبیر کرد. البته باید فرضی را نیز مد نظر قرار داد که در آن هرچند به ظاهر با سبب مقدم در تأثیر رو به رو هستیم، اما در این میان سبب مؤخر با علم به وجود سبب اول شرایط اثرگذاری آن را فراهم می‌نماید. در این حالت سبب دوم که به عمد شرایط را برای وقوع حادثه فراهم کرده است، مسؤول می‌باشد. به عنوان مثال پرستاری با علم به تجویز اشتباه دارو برای بیمار توسط پزشک، بیمار را توصیه به مصرف دارو می‌نماید که در این صورت مسؤلیت متوجه پرستار می‌باشد نه پزشک که این موضوع در تبصره ۱ ماده ٤٩٦ ق.م.ا نیز به این شرح مورد اشاره قرار گرفته است: «در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست، بلکه صدمه یا خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است».

همچنین قاعده سبب مقدم در تأثیر در فرضی که سببی غیرمجاز و دیگری مجاز می‌باشد مجری نخواهد بود و در این حالت سبب غیر مجاز است که مسؤولیت خواهد داشت، هرچند سبب مقدم در تأثیر نباشد. به عنوان مثال پزشک به تشخیصی اشتباه در مورد فرد مبتلا می‌رسد و در این حالت او را توصیه به انجام یک سری اقدامات درمانی می‌نماید. در این حالت یکی از خدمه بیمارستان با مشاهده بیمار و تجویزات پزشک عملکرد پزشک را تأیید و بیمار را به انجام اعمال و استفاده از داروها ترغیب و او را در این راستا کمک نموده و فرد در اثر این اقدامات فوت می‌نماید که در این حالت مسؤلیت متوجه کسی است که عمل غیرمجاز را انجام می‌دهد. حکم هر دو حالت در ماده ٥٣٦ ق.م.ا مورد اشاره قرار گرفته است: «هرگاه در مورد ماده ٥٣٥ این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست شخصی که عملش غیرمجاز بوده ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود، نفر دوم ضامن است.» همچنین گذشت زمان نیز نمی‌تواند خللی به رابطه استناد وارد کند (فروغی و همکاران،١٣٩٤: ١٣٦-١٣٧).

قانونگذار ایران با پذیرش این مهم در ماده ٤٩٣ قانون مجازات اسلامی صراحتاً وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن را مانع تحقق جنایت ندانسته و در مواردی مانند انتقال بیماری کشنده، مرتکب را حسب مورد مستوجب قصاص یا دیه می‌داند. عدم تأثیر مضی زمان طولانی در رابطه استناد و به عنوان رافع مسئولیت ناقل، مورد توجه فقها نیز بوده و در استفتائات ایشان مورد اشاره واقع گردیده است. به عنوان نمونه به استفتاء ذیل توجه شود: اگر کسی عمداً دیگری را مبتلا به بیماری ایدز نماید چون این بیماری فوراً کشنده نبوده و در اثر مرور زمان و ضعف قوای دفاعی بدن موجب مرگ شده یا حتی احتمال مهار بیماری یا معالجه می‌رود عملاً سرایت دهنده مشمول چه حکمی خواهد بود؟ پاسخ مراجع به قرار ذیل است:

آیت ا... العظمی محمد تقی بهجت (ره): با فرض اینکه می‌داند در شرایط فعلیه منجر به مرگ او قطعاً خواهد شد قتل عمد است، مثل خوراندن سم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آیت ا... العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره): اگر کسی عمداً ویروس ایدز را به بدن دیگری انتقال دهد و بداند که در درازمدت موجب مرگ او می‌شود و مرگ هم محقق شود، حکم قتل عمد را دارد.

آیت ا... العظمی ناصر مکارم شیرازی: در صورتی که جانی می‌دانسته است که این کار غالباً موجب قتل می‌شود حکم قتل عمد را دارد.

آیت ا... العظمی حسین نوری همدانی: در صورتی که با این عمل طرف از بین برود و قتل منتسب به عامل بوده و عمل طوری است که غالباً موجب قتل می‌گردد قتل عمد به حساب می‌آید (فروغی و همکاران، ۱۳۹٤: ۱٤٥).

همانطور که در مباحث قبلی مورد اشاره قرار گرفت، در این مورد نظر مخالفی بر مبنای احادیثی که در صحت آن تردید وجود دارد، مطرح گردیده که گذشت یکسال از زمان جنایت را به عنوان مانع تحقق رابطه استناد تلقی می‌کند که به تفصیل در رد آن بحث صورت گرفت و دیوان عالی کشور مصر نیز در این راستا بیان داشته است: «گذشت زمان میان فعل و مرگ، مسؤولیت کیفری متهم را از بین نمی‌برد»(نجیب حسنی، ۱۳۹۱: ۲۱٦).

لازم به ذکر است نمی‌توان عوامل مؤثر در افعال مرتبط با عمل انتقال به عنوان مثال رضایت مجنی علیه در برقراری ارتباط جنسی منجر به انتقال ویروس کرونا را به عنوان رافع مسؤولیت ناقل و یا قاطع رابطه استناد تلقی نمود، زیرا از یک طرف رضایت فرد، مبتنی بر برقراری یک رابطه جنسی سالم بوده نه رابطه‌ای که منجر به مرگ او شود و مرتکب نسبت به سلامتی مجنی علیه بی توجهی نشان داده است، از طرف دیگر بر فرض آگاهی به بیماری، رضایت در ارتکاب فعل حرام یعنی آسیب به بدن، رضایتی صحیح نمی‌باشد و آنچه که در ماده ۳٦٥ ق.م.ا آمده مرتبط با سقوط قصاص بوده و نافی اعمال حکم مندرج در ماده ٦۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷٥ نخواهد بود. ماده ۳٦٥ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنیٌ‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس‌از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود».

همچنین ماده ٦۱۲ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یابیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

نتیجه گیری

«مسئولیت جزایی» مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید. متضرر از جرم غالباً اجتماع است، برخلاف مسئولیت مدنی که متضرر از عمل مسئول، افراد می‌باشند. بر این اساس هر اقدام مجرمانه و خلافی از فردی صورت بگیرد، مسئول شناخته شده و از باب کیفری قابل مجازات است. همان طور که مطرح گردید، جهت تحقق مسئولیت جزایی شرایطی بایستی وجود داشته باشد. یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با مسئولیت جزایی است، بحث مسئولیت کیفری انتقال ویروس کرونا است. بر اساس آن‌چه از نظر فقها بیان شد و همچنین بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران می‌توان گفت در صورتی که شخص، مبتلا به کرونا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

باشد که امکان انتقال آن‌ها وجود دارد، چنان چه مجنی‌علیه به بیماری شخص انتقال‌دهنده علم نداشته باشد و انتقال‌دهنده با قصد کشتن او یا علم به این‌که بیماری او کشنده است، اقدام به چنین عملی کند و در اثر آن مجنی‌علیه کشته شود، قتل، عمدی تلقی شده و در نتیجه در مسئولیت کیفری و حکم به قصاص برای انتقال دهنده عالم و قاصد شکی باقی نخواهد ماند و در غیر این دو حالت، قتل عمد تلقی نشده و احکام شبه عمد یا خطا بر آن مترتب خواهد شد و در تمام فروض مذکور در صورت کشته نشدن مجنی‌علیه، انتقال‌دهنده ضامن خسارت‌های ناشی از عمل خود خواهد بود.

رکن اصلی تحقق مسئولیت، صحت انتساب و استناد است که احراز آن در کلیه جرائم، اعم از عمدی و غیرعمدی و همراه با قصور یا تقصیر، لازم و ضروری است و ویروس کرونا نیز از این امر مستثنی نیست، هرچند انتقال ویروس کرونا با اسباب ناپیدا صورت می‌گیرد، لیکن به مانند اسباب ظاهری دارای آثار و نتایجی است که در صورت احراز رابطه استناد بین این نتایج و اسباب ناپیدا، در مسئولیت انتقال دهنده در فرض اجتماع شرایط نمی‌توان تردید نمود. نکته قابل توجه، دشواری احراز این رابطه به علت ناپیدابودن اسباب می‌باشد، ضمن اینکه ویژگی‌های نوعی دیگر کرونا از جمله فاصله زمانی بین فعل و نتیجه مجرمانه، رضایت آگاهانه فرد به بیمارشدن و یا تندادن او به عملی که باعث انتقال ویروس به وی می‌شود و امکان حدوث وقایع طبیعی یا غیر طبیعیِ قاطع رابطه استناد، ممکن است باعث دشواری دو چندان احراز این رابطه گردد. در مورد عوامل واگیردار نوعاً یا نسبتاً کشنده به خاطر اثربخشی قوی در فرد مبتلا بیشتر جرائم انتسابی جرائم مرتبط با تمامیت جسمانی به ویژه قتل خواهد بود. با توجه به ماده ۲۹۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ قانونگذار نظر اکثریت فقها در امکان حدوث قتل عمدی در انتقال عامل بیماری‌زا را پذیرفته و قائل به قصاص انتقال دهنده در موارد عمدی است. البته بعضی از فقها، با توجه به مشکلات ذکرشده در احراز رابطه استناد و با احتیاط در دماء مسلمین و با توجه به قاعده درء، در اثبات قتل عمدی و در نتیجه قصاص انتقال دهنده، تشکیک کرده‌اند که این دیدگاه در نظم حقوقی کنونی پذیرفته نیست. در مورد انتقال به نحو گسترده و امکان نوعی به خطرانداختن نفوس عامه مردم، مطابق ماده ۲۸۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ در صورت احراز شرایط، می‌توان مرتکب را به افساد فی الارض محکوم نمود، هرچند تحقق شرایط موجود در ماده به دلیل ابهام موجود در آن بسیار مشکل و باید با احتیاط صورت گرفته و در واقع بیشتر جنبه عینی یابد تا ذهنی.

منابع

۱. آقایی نیا، حسین(۱۳۸۹). جرایم علیه اشخاص، جلد دوم، تهران: میزان.

۲. احسان‌پور، سیدرضا(۱۳۸٤). مسئولیت کیفری انتقال ایدز، مجله حقوقی گواه، دوره جدید، شماره ۳.

۳. بای، حسینعلی(۱۳۹۱). تاثیر جنایت در مرگ مجنی علیه و مسئولیت ضارب، فلصنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، دوره۱، شماره ۳۳.

٤. بیگی، احمد و حسینی، سیدجواد(۱۳۹٦). حدود مسؤلیت کیفری و مجازات «طفل» در فقه امامیه، مجله قضاوت، دوره ۱۷، شماره ۹۰.

٥. جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۹٤). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٦. خدابخشی، زهرا(۱۳۹۵). مسئولیت کیفری اشخاص در قبال برق گرفتگی های ناشی از شبکه های برق در استان چهارمحال و بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد التکرونیکی.
۷. صادقی، محمدهادی(۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان.
۸. عمید، حسن(۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۹. فروغی، فضل الله و همکاران(۱۳۹٤). نحوه احراز مسؤلیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرائم قابل انتساب، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره۹، شماره ۳۵.
۱۰.قیاسی، جلال‌الدین و همکاران(۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم: علم و مطبوعات.
۱۱.گلدوزیان، ایرج(۱۳۹٤). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
۱۲.میرسعیدی، سید منصور(۱۳۸۹). مسئولیت کیفری، تهران: میزان.
۱۳.میرمحمدصادقی، حسین(۱۳۹٦). جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان.
۱٤.نجفی، محمد حسن(۱٤۱۸ه). جواهر کلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دارالتراث العربی.
۱۵.نجیب حسنی، محمود(۱۳۹۱). رابطه سببیت در حقوق کیفری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱٦.یزدانیان، علیرضا و ثقفی، مریم(۱۳۹۳). مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۱، شماره۱۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]